

جنایتی دیگر در سیاه چالهای رژیم خمینی فدایی خلق اصغر آراسته تیر باران شد



شبهه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۷ برابر ۲۴ اکتبر ۱۹۸۸
به ماه ۶ ربیعال سال پنجم - شماره ۲۳۰

رژیم به ناگزیر از «عفو زندانیان سیاسی»، سخن می گوید

در زندانها هم چنان کشتار می کنند

رژیم خون آشام خمینی که کمر به قتل زندانیان سیاسی - این پاکترین فرزندان مردم - بسته است و هر بار گروهی از آنان را به جوخه اعدام می سپارد، این بار فدائی خلق، رفیق دلاور اصغر آراسته را تیر باران کرد. این جنایت در اوایل مهر ماه سال جاری صورت گرفت.

رفیق اصغر آراسته که از مسئولین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در استان کرمانشاهان بود، در مرداد ماه سال ۱۳۶۵ در

جریان یورش سراسری ارگانه‌ای سرکوب رژیم به واحدهای فدائی در سطح کشور، دستگیر گردید. وی که پس از رویدادهای تلخ سال ۶۲، در جریان تغییر ساختار تشکیلاتی فدائیان خلق (اکثریت) از سازمانگران واحدهای مخفی بود، پس از دستگیری بلافاصله از مرکز سیاه به زندان مخوف دیزل آباد کرمانشاه منتقل و تحت شکنجه قرار گرفت. در تحمل شکنجه‌های هولناک، سیاه چالهای دیزل آباد هر صبح تجلی پایمردی بی همتای مردی شد که از قریب ۳۵ سال زندگی، نفرت از دشمنان مردم و عشق لایتنامی به انسان را تنیده با وجودش کرده بود. در خیمان برای دستیابی به گنجینه آگاهی‌های تشکیلاتی وی، تمام قساوت و پلیدی را به کار گرفتند تا او زانو بزند و به سخن درآید. اما این فدائی خلق پاس دارنده شایسته و استوار اسرار خلق و فضیلت و شرف خویش بود. او از زندگی پر رنج خود، از درهم آمیختگی سالیان دراز با مردم، و فاداری را و برای آن سر سختی را آموخته بود و سر سخت بر جای ماند. این هنگام آنچه که از او بر جای مانده بود، تنی در هم شکسته بود. پای و کمرش را چنان در هم شکسته بودند که دیگر نمیتوانستند بهبود یابند. این جوان پرومند از آن پس فلج گردید.

بقیه در صفحه ۳

بارز آن اعتصاب فذاهای پیاپی است، در سطح جامعه باز تاب آشکاری می یابد و خود اعتراضات تازه ای را از پی می آورد.

در سطح جهانی رژیم خمینی به عنوان یکی از تنبکبارترین دیکتاتوری ها شناخته شده است و افکار عمومی بین المللی همواره این رژیم را بخاطر آزادی کشی و جنگ طلبی محکوم کرده است رژیم اکنون میخواهد خود را از انزوای بقیه در صفحه ۲

ری شمیری، رئیس ساواک جمهوری اسلامی، دم از عفو زندانیان سیاسی زده است. رادیوی رژیم، در روز ۲۷ مهر از قول وی اعلام کرد: «به زودی مخالفان حکومت اسلامی مورد عفو عمومی قرار خواهند گرفت موضوع عفو عمومی از جانب وزارت اطلاعات طرح شده و توسط مقامات حکومت اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اما هنوز به تصویب نهائی نرسیده است» ری شمیری پس از اعلام این موضوع تاکید کرده است که مبارزه با مخالفان فعال، همچنان بشدت ادامه خواهد یافت.

موضوع عفو عمومی در شرایطی مطرح میشود که ملاقاتهای زندانیان سیاسی را قطع کردند، بر شکنجه و آزار زندانیان افزودند و جمع کثیری را در برابر جوخه اعدام نهادند. همزمان با این جنایات، پیگرد فعالین سیاسی را نیز شدت بخشیدند.

رژیم هلی رنم کشتارهای وسیع و هلی رنم بگیر و بنید گسترده فعالین سیاسی خاصه پس از تن در دادن به صلح در موقعیت دفاعی قرار گرفته و قادر نیست اعتراض و نفرت مردم نسبت به آنچه را که در زندانها گذشته و می گذرد، نادیده بگیرد. اعتراضات علیه جنایات رژیم در زندانها، که خانواده زندانیان سیاسی پرچمدار آن هستند، رژیم را در محاصره قرار داده است. اکنون خبرهای مبارزات انقلابیون اسیر که مظهر

سرنوشت هزاران اسیر جنگی رابه بازی گرفته اند

۵۹۸، دولت عراق را مورد انتقاد قرار داد. این حملات و ضد حملات تبلیغی همه نشان دهنده آنند که هر دو رژیم نسبت به سرنوشت اسرای جنگی بی توجهند و اکنون بدانها به چشم گروگان می نگرند. پس از این که جمهوری اسلامی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که در ظرف ۱۵ روز می توان تدارکات لازم برای مبادله اسرار را مهیا کرد. اگر دبیرکل سازمان ملل را مخسر صالح قطعنامه ۵۹۸ بدانیم، با توجه به همین سخن می توان نتیجه گرفت که در این قطعنامه قید و شرطی برای مبادله اسرا منظور نشده و اگر دو رژیم در راه اجرای قطعنامه کار شکنی نمی کردند هم اکنون همه اسرا در میان خانواده های خود به سر می بردند. جمهوری اسلامی خود در آغاز بر سر مبادله اسرا تاکید داشت و اکنون که عراق بر روی این مساله تاکید می کند، موضع دیگری گرفته است. بدینسان هر دو رژیم روزهای تلخ اسارت را برای «گروگانهای جنگی» طولانی تر میکنند و از آنجا به عنوان اهرمهای فشار و جنجالهای تبلیغاتی بهره می گیرند. این بازی های جنایتکارانه، از چشم مردم و خاصه خانواده های اسرا پنهان نمی ماند. مردم به این اعمال با نفرت می نگرند و آن را نشانه اگراه دور رژیم از صلح می دانند.

اسرای جنگی باید هر چه سریعتر و بی قید و شرط آزاد شوند. باید از مراجع بین المللی خواست که در این زمینه به دو رژیم فشار بیشتری وارد سازند. هزاران خانوار چشم به راه عزیزان خودند. با استفاده از امکانات تبلیغی بین المللی به ابراز همبستگی با آنها برخیزیم و صدایشان را به گوش جهانیان برسانیم □

بنا بر آمار صلیب سرخ بین الملل ۵۰۱۸۲ نفر اسیر جنگی عراقی در اسارت جمهوری اسلامی و ۱۹۲۸۲ اسیر جنگی ایرانی در اسارت رژیم عراقند. این آمار دقیق نیستند و برخی مراجع بین المللی تعداد اسرای ایرانی را بین ۳۰ هزار تا ۵۰ هزار و تعداد اسرای عراقی را بین ۶۰ هزار تا ۷۰ هزار نفر برآورد می کنند.

در روز ۲۷ مهر (۱۹ اکتبر) عراق اعلام کرد که به دلیل بن بست مذاکرات صلح و امکان طولانی بودن آن، آماده است بی درنگ به مبادله اسرای جنگی پردازد. در روز بعد فسنجانی این پیشنهاد را رد کرد و از زاویه عدم پایداری رژیم صدام حسین، به اجرای هر حله به هر حله قطعنامه

پینوشه، واسطه خرید اسلحه از آمریکا برای رژیم خمینی

شود. در مقابل تمامی گروگانهای آمریکایی که در لبنان در دست عوامل رژیم جمهوری اسلامی اسیرند آزاد خواهند شد تعداد آمریکاییهایی که در گروگان حزب الله لبنان بسر می برند ۹ نفر است لازم به یادآوری است که در جریان «ایران گیت» جدا از اهداف سیاسی که هر یک از طرفین معامله دنبال میکردند، پنج تن از گروگانهای آمریکایی با مقادیر متنابهی اسلحه تحویل شده به رژیم ایران مبادله شدند مقادیر پرداخت شده توسط جمهوری اسلامی در این معامله از سوی دولت آمریکا به حساب ضدانقلابیون نیکاراگوئه واریز شد. رژیم تروریست جمهوری اسلامی بر سر گروگانهای فرانسوی و آلمانی حزب الله لبنان معاملاتی نیز با کشورهای مذکور انجام داده است.

بقیه در صفحه ۲

ناشی گری رژیم خمینی در انتخاب زمان ارائه پیشنهاد معامله اسلحه در مقابل آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان پرده از یکی از ده ها پیشنهاد جمهوری اسلامی در این زمینه برگرفت. در شرایطی که مدت اندکی به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باقی است و سرمداران حزب جمهوری خواه آمریکا بهیچ وجه حاضر نیستند پیروزی جرج بوش را باریسک افشای ایران گیت دیگری به خطر افکنند، بسادگی خبر پیشنهاد معامله جنگنده F5 در مقابل آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان مورد تائید سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا قرار گرفت. شبکه تلویزیونی ABC آمریکا در روز چهارشنبه ۱۹ اکتبر فاش کرد جمهوری اسلامی به دولت آمریکا پیشنهاد کرده است که ۱۶ فروند جنگنده F5 از طریق شیلی به ایران فروخته

رژیم به ناگزیر از «عفو زندانیان سیاسی» سخن می گوید

در زندانها همچنان کشتار می کنند

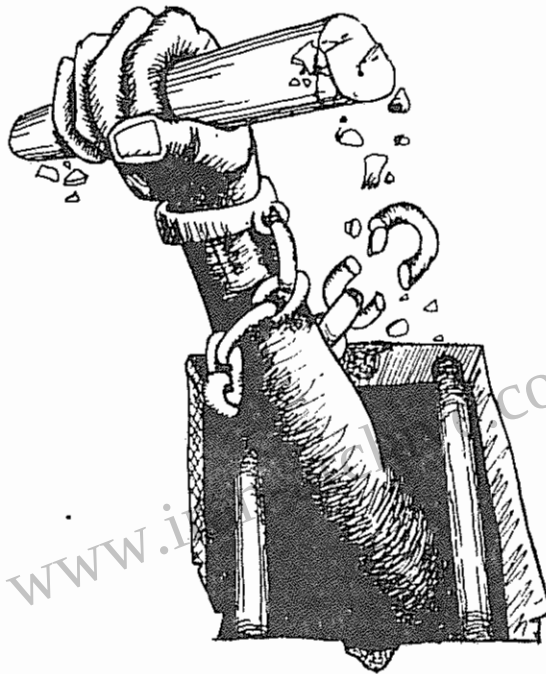
در همه جا گفت هده معدودی که ممکن است آزاد شوند، حتی بنا بر قوانین خود رژیم و بنا بر محکومیتی که خود محکمه های شرعی رژیم برای آنها بریده اند همدتا چند سال پیش می بایست آزاد میشدند. باید در همه جا گفت در پس پرده فریب و نیرنگ جویهای خون روان است. باید در همه جا گفت که اکنون زندانیان کثیری را شلاق کش میکنند تا بتوانند آنها را دست کم به دادن "تعهد" ادارند.

در خارج از کشور، پیکار در دفاع از زندانیان سیاسی ایران را باید شدت بخشید. اکنون دولتهای امپریالیستی می کوشند رژیم خمینی را رژیمی معقول و قابل تحمل و حتی دموکرات جلوه دهند تا بتوانند مناسبات خود را با تهران هر چه بیشتر گسترش بخشند. در چنین شرایطی کوشش میشود در رسانه های گروهی اخبار هر چه کمتری در مورد جنایات رژیم خمینی انتشار یابد. در چنین شرایطی باید

تلاشهایمان را چند برابر کرده و در وضعیتی این چنین حساس که رژیم ضمن براه انداختن فریبکارانه ترین جادو و تبلیغاتی زندانیان را سر به نیست میکند، کارزار متحدانه وسیعی را در هر کجایه هستیم و با هر امکانی که در اختیار داریم، سازمان دهیم. اکنون همگان بعینه می بینیم که رزم سالیان، ثمر بخش بوده و رژیم نمی تواند نسبت به فشار افکار عمومی بین المللی برای همیشه بی توجه باشد. جهانیان را به دفاع گسترده از جان زندانیان سیاسی ایران فرا خوانیم. در همه جادو و جادوهای رژیم را انقضا کرده و این شعار را طنین افکن کنیم **کژ زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!**

فشار قرار گیرد تا این هیأتها از زندانهای سیاسی باز دید کنند و در جلسات بیدادگاههای رژیم حضور

زندانیان سیاسی است. این موضوع از جمله نشان دهنده یکی از ثمرات کارزار وسیع در سطح بین المللی



یابند.

اکنون زنگ خطر را بر صداتر از همیشه باید به صدا در آورد؛ حقیقت اینست که جوخه های اعدام همچنان در کارند و رژیم در عداست که تعداد هر چه بیشتری از زندانیان را سر به نیست کند، باید

پینوشه، واسطه...

بقیه از صفحه اول

شبکه تلویزیونی ABC ارزش معامله خرید ۱۶ هواپیمای جنگی از طریق شیلی را ۱۷۵۰ میلیون دلار تخمین زد و است.

به دنبال انتشار خبر مذکور، چارلز دمن سخنگوی وزارت امور خارجه مطرح شدن چنین طرحی برای تحویل هواپیماهای جنگی به رژیم جمهوری اسلامی را مورد تأیید قرار داد ولی افزود که این پیشنهاد توسط دولت آمریکا پذیرفته نشده است. سخنگوی

بقیه از صفحه اول

بین المللی بدر آورد و با دولتهای امپریالیستی باب مراودات آشکار و گسترده ای را بگشاید. در این میان افکار عمومی و سازمانهای ترقی خواه و بشردوست هم برای این دولتها و هم برای جمهوری اسلامی ایجاد مزاحمت می کند. رژیم خود را ناگزیر می بیند که بشکل وسیع گذشته از تمسخر حقوق بشر در برابر افکار عمومی بین المللی خود داری ورزیده و مصالح نظام را در نظر بگیرد.

اکنون حفظ نظام برای جمهوری اسلامی مساله اصلی است. در این راستاست که رژیم در سطح بین المللی می کوشد چهره "معقولی" داشته باشد تا در محاسبات دراز مدت امپریالیسم بگنجد. در سطح داخلی نیز تلاش می ورزد معقولانه تر حرکت کند و به خاطر مصالح نظام به برخی اصلاحات حساب شده و هدفمند تر دهد. در این رابطه رژیم نمی تواند اسارتگاه های انباشته از زندانیان سیاسی را از نظرها بپوشاند.

در چند ماهه گذشته خاصه در تهران شایعه آزادی هده ای از زندانیان سیاسی قوت گرفته بود. اکنون خود رئیس ساواک از احتمال به اصطلاح "عفو عمومی" سخن می گوید. واضح است که رژیم میگوید حول آزادی محتمل صرفا بخشی از زندانیان سیاسی که مدتجاست دوره اسارت مقرر شده برای آنها به پایان رسیده آنچنان سروصدایی براه بیندازد تا صدای رگبار مدام جوخه های اعدام و شلاقهایی که پیکر زندانیان را در هم میدرد، در انبوه تبلیغات گم نشود. رژیم محتاج به جادو و جنجال تبلیغاتی است. رژیم میخواهد چهره گریه خویش را با تبلیغات بیاریاد تا بلکه برهم نریزد و نیرنگ بیفزاید و برای بقای خویش امکان مانور بیشتری بیابد. چه هده ای را آزاد کنند و چه نکنند، همینکه حکومت خود ناچار میشود از "عفو" سخن بگوید، نشان دهنده یک پیروزی مردم و

وزارت امور خارجه آمریکا برای تاکید بر عدم وجود مذاکرات مستقیم در این زمینه، گفت که رژیم ایران این پیشنهاد را از طریق فروشندگان بین المللی اسلحه ارائه کرده است.

چارلز دمن پیشنهاد فروش هواپیماهای F5 از طریق شیلی به ایران در مقابل آزادی گروگانهای آمریکایی را یکی از پیشنهاد های متعدد رژیم جمهوری اسلامی به آمریکا خواند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا سخنی از پیشنهاد های دیگر میان نیارود.

بقیه از صفحه اول

روحیه سرزنده این مرد مغلوب شده و گردنفرایش در برابر دژخیمان، برای همزمان و همزنجیرانش در بند همومی سرمشق بود. علاوه بر آن کلامش بود که در آموزندنی همواره، به زندانیان درس استواری می داد. می دانست که دژخیمان با سخت ترین کیفر، با مرگ، مجازاتش خواهند کرد. اما او را از آن باک و هراسی نبود. از این رو هراس بود که مبادا مبارزه کاستی و شرف خدشه پذیرد.

... بالاخره در صبحدهی از نخستین روزهای خزان، رفیق اصغر آراسته که مثل تمامی این دو سال بر برانگاری بستی بود، در برابر جوخه اعدام قرار گرفت و رگبار گلوله ها قلب گرمش را از تپش بارداشت و خاموش ساخت.

رفیق شهید اصغر آراسته قریب ۳۵ سال پیش در قصر شیرین در میان خانواده ای از زحمتکشان میهن به دنیا آمد. سالمی نوجوانی را در ستیز با فقری طاقت فرسا به سر رساند. تحصیل را به ناگزیر توانان با کار پیش برد. در تابستانهای داغ قصر شیرین در گرمای مهیب کار می کرد تا تحصیل او خانواده را از نان خوردن

باز ندارد.

پس از پایان تحصیل در دبیرستان، آموزگار شد. در روستاهای قصر شیرین، که خراب آبادی بوده اند، مقیم شد. این آموزگار جوان که به صمد برنگی عشق می ورزید، راه او را در پیش گرفت و معلم و مربی کودکان

شبکه های سازمانی آغاز کرد که دیگر تا دم مرگ هرگز گسسته نشد. در سال ۵۸ با یورش ارتجاع به نیروهای انقلابی (که در غرب کشور شدت ویژه ای داشت) رفیق اصغر آراسته دستگیر و در پادگانی در سرپل ذهاب زندانی گردید.

فدایی خلق اصغر آراسته تیرباران شد

روستایی گردید.

با اوچ گیری انقلاب، رفیق اصغر که همچون یک هوادار صدیق سازمان از پیشروان مبارزه علیه رژیم شاه در منطقه بود، در سازماندهی و اعتلای این مبارزه همه توان خود را به کار گرفت. او و معلمان همزمش، کانون معلمان قصر شیرین را بنیاد گذاشتند که در سازمانگیری مبارزه انقلابی در این شهر نقشی اساسی ایفا کرد. در روزهای قیام رفیق آراسته دوشادوش و پیشاپیش مردم در خلع سلاح ارگانهای مسلح رژیم شرکت داشت.

بلافاصله پس از قیام با تشکیل ستاد سازمان ما در قصر شیرین، اصغر آراسته با حضور در ستاد فعالیت مستقیم خود را با

خلالی جلاد که با سمت حاکم شرع به منطقه آمده بود، قصد اعدام وی را داشت. اما نفوذ مردمی وی و دیگر همزنجیرانش، ارتجاع را به درنگ واداشت و آن بار جاننش نجات یافت.

در جریان حمله سراسری رژیم خمینی به کردستان در سال ۵۸، رفیق آراسته سازمانگر گردآوری کمک های مردم قصر شیرین و منطقه برای خلق کرد گردید.

در سال ۵۹ وقتی که در همان روزهای سخت تهاجم ارتش عراق به ایران، قصر شیرین در هم کوبیده می شود و سقوط می کند و مردم قصر شیرین در کوه های پیرامون شهر در محاصره ارتش عراق در مشقت بسر می بردند، وی در شکل دهی

سازمانهای امداد مردمی نقشی فراموش نشدنی ایفا کرد. پس از آن مانند هزاران آواره جنگزده دیگر در کرمانشاه سکنی گزید و به ایفای وظایف انقلابی در تشکیلات سازمان در این شهر پرداخت.

در سال ۶۲ از آنجا که به مثابه یک عضو انقلابی و فدایی چهره ای شناخته شده و تحت پیگرد بود، بناگزیر یک بار دیگر مهاجرت کرد و به تهران رفت. او که پیش از این از آموزش و پرورش اخراج و حق تدریس از وی سلب گردیده بود، در کارخانه های تهران و کرج به کارگری پرداخت و همزمان با آن، به مثابه یک کادر فدایی، فعالیت سازمانگرانه خود را سرسخت تر از همیشه پی گرفت.

در مردادماه سال ۶۵ که در جریان یک مأموریت سازمانی به کرمانشاه رفته بود، در دام دشمن دژخیم اسیر می شود. بیش از دو سال زندان را در سیاهچالهای دیزل آباد کرمانشاه و گوهردشت کرج به سر رسانید. تا بالاخره حکم اعدامش - که همراه با گروهی ۵۵ نفره از زندانیان سیاسی در تابستان امسال صادر شده بود - در مهر ماه به اجرا درآمد و سازمان ماء، قهرمانی را که در میان مردم پرورده شده بود از دست داد.

زیادتر و زیادتر میشدند
و صفهای آنها فشرده تر.
آرامگاه تو در بالای تپه است

این شهرها را دخیل برای تو چیده است
این تاج را پیرزنی بافته است
و این پایه های گل سرخ را
من بروی گور تو میکارم.

گورتو بر تپه ای آن بالاست
در زیرفرشی از گلهای سرخ
عطرافشان و شاداب.
آنها تیکه از پهلوی آن میگذرند
بروای تماشای آنرا ندارند.
گورتو، ای کشته شده!
گلهای سرخ، گلهای سرخ آراسته اند
تو گوئی خون تو است که در آنها شکوفان میشود.
در تاریخ میهن ما
آخرین نبرد از آن ما است.

اورانیا بد به خاک سپرد ؟
هنوز آنها ناپدید نشده بودند
ماترادر تابوتی سرخ
به گورستان رساندیم.
همه مردم ده بدنبالت بودند
جوان و پیر
زنان و مردان
و عزاداران تو در هر قدم
زیادتر و زیادتر میشدند

دیروز ترا کشتند
آنجا!
در آستان دهکده.
ترا بروی زمین انداختند
و پیش از آنکه خود و روشنند
با جشعانی پراز کینه
مردم را تهدید کردند:
این یک کمونیست است
و اورانیا بد به خاک سپرد.

گل های سرخ

تان های، شاعر ویتنامی



نگرانی منتظری

دانشجویان اعضای دفتر تحکیم وحدت جناح مؤتلف با روحانیون مبارز در سومین دوره انتخابات مجلس، با ارسال نامه‌ای به منتظری خواستار رهنمودهای وی برای تدوین خط‌مشی و برنامه‌های آتی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌ها (دفتر تحکیم وحدت) شدند. منتظری در پاسخ به دانشجویان ضمن اشاره به مشکلات رژیم جمهوری اسلامی نوشت: «آنچه را شما احساس می‌کنید، اینجانب هم کاملاً احساس کرده و می‌کنم. اینجانب نسبت به سیاست و تصمیم‌گیری‌ها و اجرائیات کشور، دخالتی ندارم و در کنار هستم، ولی هر وقت احساس تکلیف شرعی می‌کرده‌ام مسایلی را به مسئولان محترم و به ملت عزیز تذکر داده و احیاناً به اطلاع مقام معظم رهبری رسانده‌ام...» منتظری در ادامه نامه خود نوشته است: «آزادی بیان و اظهارنظر در چارچوب اسلام و انقلاب و مصالح کشور حق طبیعی و قانونی هر فرد و جناحی است، روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی باید مرکز نشر افکار و نظریات گوناگون باشد... رسانه‌های گروهی و دانشگاه‌ها و حوزه‌ها نباید تریبون گروه و جناح خاصی باشد... ما اگر تحمل شنیدن حرف مخالف نظر خود را نداشته باشیم به زودی این حرف مخالف تبدیل به گلوله... خواهد شد.»

مناسبات تهران و ریاض

در پی از سرگیری روابط دیپلماتیک ایران و کویت، هفته گذشته تحول تازه‌ای در مناسبات ایران و عربستان صورت گرفت. دولت ریاض روز چهارشنبه ۲۷ مهرماه به طور رسمی به اظهارات مقامات تهران مبنی بر پایان دادن به مناقشات بین دو کشور پاسخ داد و ملک فهد به رسانه‌ها و مطبوعات عربستان دستور داد از ادامه تبلیغات علیه جمهوری اسلامی خودداری

بقیه در صفحه ۷

کارشناسان ژاپنی در بندر خمینی

از سال ۱۳۵۲ با سرمایه‌گذاری مشترک ایران و ژاپن آغاز شد و تا شروع جنگ ایران و عراق ۸۵ درصد عملیات ساختمانی آن تکمیل گردید. در جریان جنگ عملیات احداث پروژه متوقف شد و مجتمع سه بار هدف بمباران شدید هوایی قرار گرفت. هزینه مجتمع در قرارداد اولیه چند برابر کمتر از آن پیش‌بینی شده بود که هم‌اکنون بر اثر تورم مالی، استهلاک و تخریب مجتمع برای تکمیل آن ضروری است. اظهارات رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته در زمینه راه‌اندازی مجتمع پتروشیمی حاکی از اختلاف نظر در میان مسئولان جمهوری اسلامی است. روز پنجشنبه لواسانی معاون امور بین‌الملل وزارت امور خارجه در توکیو با وزیر امور خارجه ژاپن دیدار کرد. وزیر خارجه ژاپن با دعوت ولایتی برای سفر رسمی به تهران طی سه ماه آینده موافقت کرد. مقامات تهران در جریان حضور کارشناسان ژاپنی در بندر خمینی ابراز امیدواری کردند که مذاکرات دو شرکت بدون دخالت دولت حل و فصل شود.

هیات کارشناسی شرکت ژاپنی میتسوبی که به منظور بررسی راه‌اندازی مجدد پروژه مشترک پتروشیمی، به ایران سفر کرده بود، پس از دو هفته اقامت در بندر خمینی و تهران، برای ارزیابی گزارش نتایج بررسی‌ها و مذاکرات خود به مسئولان شرکت به توکیو بازگشتند.

هیات ۱۶ نفره کارشناسان شرکت میتسوبی ژاپن، طی هفته از مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن در بندر خمینی دیدن کردند و به ارزیابی خسارات وارده به مجتمع در جریان جنگ پرداختند. اعضای هیات علاوه بر مطالعات و بررسی محلی، در تهران با مسئولان شرکت ملی صنایع نیز گفتگو کردند.

بنابه نوشته مطبوعات ژاپن، هدف شرکت میتسوبی از اعزام کارشناسان به ایران آن است که چنانچه نتایج مطالعات و بررسی‌ها نشانگر غیراقتصادی بودن تکمیل پروژه باشد، شرکت از تمدید قرارداد و تکمیل تجهیزات و راه‌اندازی مجتمع صرف نظر کند. کار احداث مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن

مجمع بزرگ فرماندهان ارتش در تهران

رفسنجانی از کرداندگان ارتش خواست با توجه به نتایج جنگ و شرایط نوین دفاعی و نظامی منطقه و جهان به بررسی توانایی‌ها و نیازمندی‌های ارتش بپردازند و نتایج بررسی‌های خود را بدون هیچ گونه نگرانی در اختیار مقامات بالا قرار دهند. وی تأکید کرد که جمهوری اسلامی همچنان باید خود را به سلاح‌های دفاعی مسلح سازد و در خریدهای خود آن را در اولویت قرار دهد. رفسنجانی از سلاح‌های شیمیایی نیز به عنوان بخشی از تجهیزات دفاعی مورد نیاز یاد کرد. گر دهمایی مشابهی یک ماه پیش توسط سپاه پاسداران در استادیوم آزادی برپاشد که در پی آن بررسی لایحه اقدام ارتش و سپاه به درخواست ۴۰ تن از نمایندگان مجلس برای مدت ۶ ماه به تعویق افتاد.

از روز دوشنبه ۲۵ مهرماه، فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی در تهران گردآمدند و طی چهار روز، مسایل ارتش و بویژه نیروی زمینی را مورد بحث و بررسی قرار دادند. در اجتماع فرماندهان نظامی، روسای قوای سه گانه خامنه‌ای رئیس‌جمهور، موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضایی و رفسنجانی رئیس مجلس و جانشین فرمانده کل قوا طی سخنرانی، بر بقای ارتش در کنار سپاه و اولویت بازسازی نیروهای مسلح با استفاده از نیروهای متخصص و فنی مستشاران خارجی تأکید کردند. رفسنجانی در دومین روز مجمع فرماندهان نظامی اظهار داشت که سپاه باید در کنار ارتش باقی بماند و این دو نیرو با هماهنگی و بدون احساس برتری نیرو به خدمت ادامه دهند.

استقبال مردم تهران برای

ورود به سالن تالار رودکی

بر اساس نوشته مطبوعات دولتی از روز سه شنبه ۲۶ مهرماه تا یکشنبه اول آبان، در تالار رودکی تهران کنسرت موسیقی اصیل ایرانی توسط گروه شیدا و هارف با همکاری شهرام ناظری و بیژن کامکار اجرا شد. سرپرست و آهنگساز گروه، هنرمند برجسته و سرشناس موسیقی ایرانی حسین علیزاده بود.

کثرت جمعیت مشتاق دیدار برنامه چشمگیر بود. استقبال مردم به حدی بود که هنردوستان و هلاقه‌مندان موسیقی برای تهیه بلیط ورودی از ساعت‌ها پیش از شروع برنامه در برابر تالار صف کشیدند.



کردستان، سرزمین رزم و رنج

بقیه از صفحه آخر

حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق، جمهوری توانست موفقیت‌هایی نیز در این زمینه کسب کند. این اقدامات بر مشکلات نیروهای جنبش ملی خلق کردافزود اما نتوانست مانع تحرک آنان شود آنان توانستند در مناطقی چون مهاباد، بوکان، پیرانشهر، اشنوویه، سردشت، ارومیه، سنندج، بانه، سقز، مریوان، ضرباتی بر دشمن وارد آورند. در طول سال گذشته استراتژی رژیم ضد مردمی خمینی در سرکوب خلق کرد بر این روال بود که با جمع‌آوری گسترده نیرو، فشار نظامی را بر پیشمرگه‌ها افزایش دهد و آنها را در حالت تدافعی نگه دارد تا آنان نتوانند خود اهداف نظامی خود را انتخاب کنند. بدین منظور حکومت می‌کوشید که در هر نقطه از استقرار پیشمرگه‌ها با نیروی زیادی به آنان یورش آورد. این یورش اغلب برای رژیم موفق نبود و تلفات زیادی برایش به همراه داشت. در اواخر زمستان ۶۶ و اوایل بهار ۶۷ همزمان با شدت گرفتن جنگ شهرها، رژیم در کنار سیاست جنگی خود با عراق، تعرض وسیع به نیروهای ملی خلق کرد در مناطق مرزی نزدیک بانه و سردشت و در اطراف سلیمانیه و قلعه دیزه... آغاز کرد که به دنبال آن منطقه اورامان و شهر نوسود را متصرف شد و توانست بر نیروهای جنبش ملی خلق کرد تلفاتی وارد آورد.

از ویژگی‌های سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم در منطقه کردستان در سال گذشته موارد زیر قابل ذکر است. رژیم علاوه بر اینکه کوشید در درگیری‌های پیش از نیروهای جاش و خودفرختگان استفاده کند، جوانانی را که برای اهزام به سربازی دستگیر کرده بود؛ در منطقه خودشان در پایگاه‌هایی که در روستاها ایجاد کرده بود، مستقر کرد با این تحلیل که آنان در مقایسه با جبهه، به استقرار در این پادگان‌ها رضایت خواهند داد. در

بسیاری از روستاها نیز در ادامه سیاست "تسلیم اجباری" مردم را مجبور می‌کرد که به نوبت در پادگان‌ها بمانند و نگهبانی بدینند. رژیم از این اقدامات اهداف زیر را دنبال می‌کرد:

جنگ با خلق کرد را به جنگ بین کردها تبدیل کرده و برادرکشی راه انداخته و دشمنی عشیرتی و نفاق ملی بوجود بیاورد.

برای خود تاهمین نیرو کرده و نیروهای غیر بومی را به جبهه‌ها بفرستد

سیاست سر باز گیری به مثابه یکی از مظاهر قدرت دولتی در منطقه را به نحوی به پیش ببرد.

رژیم در طول سال ۶۶ و نیمه اول سال ۶۷ در رابطه با سر باز گیری بسیار فعال بود. کلیه راه‌های عبور و مرور بین شهرها بشدت کنترل می‌شد و هر چند وقت یکبار برای سر باز گیری به روستاهای منطقه هجوم می‌آورد. در رابطه با کارمندان و معلمان و مزدبگیران دولتی سیاست اجباری کردن رفتن به جبهه را در پیش گرفت و در چند نوبت کاروان‌هایی به راه انداخت.

مردم همواره از اهداف رژیم در زمینه‌های ذکر شده آگاهند. هر چند به طور مثال بسیاری از روستائیان مشمول سربازی استقرار در پایگاه ده را به رفتن به جبهه‌ها و پادگان‌های خارج از منطقه ترجیح می‌دهند. اما رژیم در برآوردن دیگر اهداف خود ناکام بوده است. جمهوری اسلامی اکنون می‌کوشد سیاستهای سرکوبگرانه خود را در اشکال متنوع و بانمایش انعطاف بیشتر بر روی برخی مسائل فرعی و غیر مهم به پیش ببرد و در این راه بر اثر مبارزات مردم مجبور شده است به عقب نشینی‌هایی نیز دست ببرند و به طور مثال دخالت در امور شخصی و عروسی‌ها و جشن‌ها را با شیوه‌های "سیاسی" تری به پیش می‌برد.

رژیم با مسائل فرهنگی نیز با نظر داشت به اهداف سیاسی خود برخورد می‌کند. مدتی پیش به ابتکار هیمن شاعر ملی خلق کرد،

یک مجله ماهانه کردی به نام "سروه" منتشر شد. که تیراژ آن در آغاز ۲۰ هزار بود و بعدا به ۶۰ هزار نسخه رسید. طبیعی است که اجازه انتشار مجله به زبان کردی تنها در رابطه با عقب نشینی رژیم قابل بحث است. رژیم که متوجه شده است تنها با سرکوب نظامی موفقیتی کسب نخواهد کرد. ناکزیر برای تخفیف مساله به یکسری عقب نشینی‌هایی تن داده است. این مجله هلیرفم محدودیت‌ها و نقائصی که دارد اما تیراژ چشمگیری آن، تشنگی و هلاک مردم کرد به فرهنگ ملی و زبان خود را نشان می‌دهد. در همین رابطه علاوه بر اینکه تلویزیون

محلی شهرهای مهاباد و سنندج هر روز به زبان کردی برنامه دارند، تلویزیون سرتاسری بطور هفتگی چندین ساعت برنامه به زبان کردی پخش می‌کند. اما مردم کردستان با تمام وجود رژیم جمهوری اسلامی را به

مثابه دشمن آشتی ناپذیر خود شناخته‌اند. به جرات می‌توان گفت که رژیم با همه ترفندهای خود نتوانسته است بجز معدودی فتوادل و فریب خورده و خودفروش پایگاهی برای خود ایجاد کند. نمونه‌های فراوان اعتراض مردم به سیاست‌های زورگویانه رژیم دلیل این مدعاست. در شهرهای مهاباد و بوکان و اشنوویه... نمونه‌های فراوان درگیری مردم با گشت‌های کمپته و پاسداران وجود داشته است. نمونه درگیری چهارشنبه سوری در مهاباد که جوانان وسیعا با لباس کردی اجتماع کرده پاسداران را که با ماشین‌هایشان مانور می‌دادند هو کردند، قابل یادآوری است. در همین روز مردم با اجتماع خود در مقابل مقر سپاه تا ساعت ۱۲ شب پاسداران را مجبور کردند که همه دستگیرشدگان درگیری‌های ایجاد شده در این روز را آزاد کنند. در روستاها نیز مقاومت‌های توده‌ای به اشکال گوناگون وجود دارد زنان روستایی شجاعانه به سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم اعتراض می‌کنند. در مواردی که

رژیم جوانان را برای سربازی و روستائیان را به بمانه ارتباط با پیشمرگان دستگیر می‌کند، زنان دلاورانه با چوب و چماق و سنگ به پاسداران حمله می‌کنند و با اعتراض دسته جمعی و اجتماع و دادن شعار دستگیرشدگان را آزاد می‌کنند و یا در موارد زیادی مانع دستگیری جوانان می‌شوند. در دوسه ساله اخیر و در پی استقرار نظامی رژیم در کردستان اشکال غیر مسلحانه مبارزه افزایش یافته است اما این اشکال فاقد همومیت، سازماندهی و رهبری است...

وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم بسیار وخیم است. بیکاری معضل بزرگی است. مهاجرت روستائیان به شهرها و همچنین اسکان اجباری آوارگان جنگی به طور محسوسی باعث افزایش جمعیت شهرها شده است و این در حالی است که امکانات رفاهی و مسکن و مواد خوراکی شهرها محدود و محدودتر شده است. همه جا صف‌های طولیل نان و مواد خوراکی به چشم می‌خورد. تائیکی دوسال پیش که امکان وارد کردن مواد غذایی از عراق بطریق قاچاق وجود داشت کمبود مواد اساسی غذایی به این شدت محسوس نبود...

به دنبال عقب نشینی سریع نیروهای جمهوری اسلامی در مقابل حملات ارتش عراق و بمباران‌های شیمیایی و گلوله باران‌های شهرها و روستاهای مرزی برخیل آوارگان بشدت افزوده شد. جنگ و سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم جنایتکار خمینی رفق مردم را گرفته است. دولت حتی در رساندن مایحتاج و تدارکات به نیروهای خود نیز ناتوان بود و آنها مایحتاج غذایی خود را بزور از سفره مردم می‌ربودند.

اختلافات نیروهای درون جنبش ملی و همچنین انشعاب اخیر در حزب دموکرات مردم را بسیار نگران کرده است. در شرایط کنونی که بیشترین اتحاد همی مورد نیاز است و رژیم خود را برای وارد آوردن بیشترین فشار بر جنبش خلق کرد آماده می‌کند، چنین مسائلی به هیچ وجه برای مردم کرد پذیرفتنی نیست. آنان در رابطه با انشعاب در حزب دموکرات در پرده‌ای از ابهام و تردید بسر می‌برند و در همین پذیرفتن آن، منتظرند گفتار هر جناح را در عمل به محک بگذارند...

تسهيلات تازه برای تامین بهره بیشتر تجار در بازرگانی خارجی

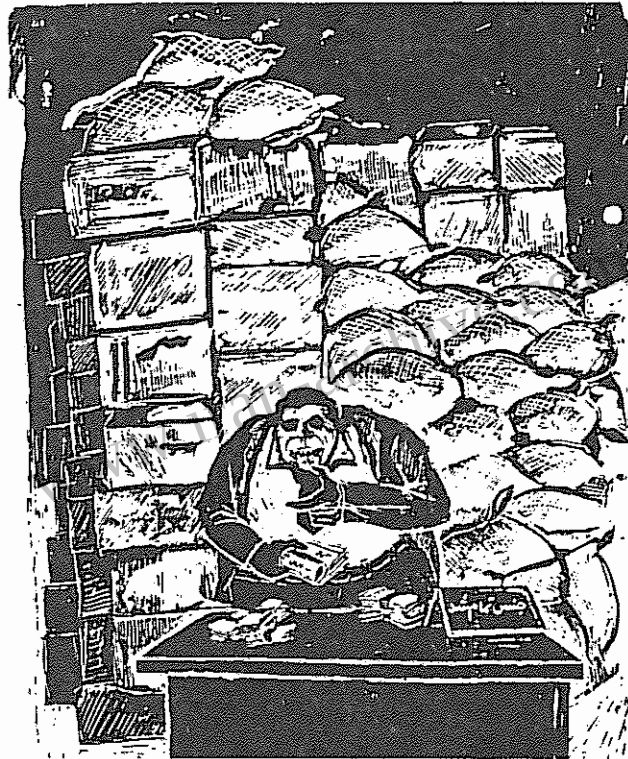
بقیه از صفحه آخر

محور اصلی سیاست های اقتصادی دولت را در زمینه بازسازی چنین اعلام نمود: رشد بنیه دفاعی، رشد و توسعه اقتصادی در زمان بازسازی، رسیدگی به خانواده های معلولین و معوقین جنگی و تامین رفاه نسبی برای تمام مردم. هرگاه در مکت کردن در یکایک این واژه ها و اصطلاحات و عبارات کلی صرف نظر کنیم، سخنان رئیس جمهور رژیم حاوی مطالب فوق العاده پراهمیتی است که در چارچوب بررسی سیاست های وارداتی رژیم به شدت موثر است. خامنه ای پس از اظهارات کلی فوق الذکر، خاطر نشان ساخت که یکی دیگر از تصمیمات رژیم، صدور اجازه واردات "کالای مورد نیاز فوری جامعه و مردم با بهره گیری از امکانات ارزی خودشان"

می باشد. رئیس جمهور رژیم درباره این نوع واردات همچنین افزود که "دولت هیچگونه محدودیتی را در مورد قیمت آنها اعمال نخواهد کرد." براساس این طرح، وزارت بازرگانی رژیم جمهوری اسلامی "اقدام مورد نیاز فوری جامعه و مردم" را مشخص کرده و واردات این کالاها را برعهده "جامعه و مردم" می گذارد. رئیس جمهور رژیم درباره گسترش لیست کالاهای قابل واردات گفت: "چنانچه این طرح با موفقیت مواجه شود و قیمت اجناس شکسته شود، مجوز ورود تعداد بیشتری از اقلام مورد نیاز صادر خواهد شد."

پیش از آنکه به بررسی گذشته و حال سیاست های وارداتی رژیم بپردازیم، ضرورت دارد که رهنمودهای خمینی در امر بازسازی و مقوله "مردم حاضر در صحنه بازسازی" را مورد توجه قرار دهیم. خمینی همین چندی پیش صراحتاً اعلام کرد که دولت قادر به انجام وظایف مربوط به بازسازی بطور تام و تمام نیست و ضرورت دارد که از "مشارکت مردم" در این امر، بهره گیری کامل به عمل آید و دولت تنها برنحوه "مشارکت مردم" نظارت بعمل آورد. جای کمترین تردیدی نیست که منظور نظری و فقیه و رئیس جمهور رژیم از

تحصیل ارز ناشی از صادرات، از جانب دیگر معطوف به نوع واردات، معطوف به مبانی واردات - کشورهای صادرکننده - و همچنین معطوف به نحوه بازپرداخت وجوه هزینه های واردات کالاهاست. اما سیاست وارداتی خود به معنای ترکیب سرمایه دولتی و خصوصی در زمینه واردات کالای می باشد. این وجه سیاست وارداتی، مورد توجه مقاله حاضر است.



براساس اظهارات اخیر خامنه ای رئیس جمهور در مصاحبه مطبوعاتی فوق الذکر، اجازه ورود کالا به بخش خصوصی داده شده است. رژیم برای تضمین "حضور پرسود" سرمایه بخش خصوصی در واردات کالاهای تعیین شده از سوی وزارت بازرگانی، پذیرفته است که امر قیمت گذاری را نیز به خود بازرگانان وا دهد و کمترین دخالت و محدودیتی در این زمینه اعمال نماید. میزان و حجم این واردات نیز از سوی رژیم تعیین نشده است. بدین ترتیب صاحبان سرمایه در کشور از این پس خواهند توانست با ارز خود، مستقیماً کالا از خارج از کشور وارد نمایند. پیش از آنکه مسائل مربوط

سرمایه های داخلی، ولی سرمایه نیز برای "حضور" خود نیازمند دو چیز است، نخست اینکه این حضور، "حضور با آرایش" باشد، بدین معنا که در روند تولید سود و بازتولید خود، دچار مداخلات "حزب الله" نشود و از سوی دیگر این سرمایه نیاز به "حضور پرسود" دارد. جمهوری اسلامی اینک می کوشد هر دو شرط حضور پرسود سرمایه را فراهم سازد. در این چارچوب، سیاست وارداتی رژیم، معطوف به جلب سرمایه های داخلی است.

سیاست وارداتی دارای وجوه و ابعاد مختلفی است، از یک سو محصولی است از تراز بازرگانی خارجی، یعنی واردات کالا در قبال

به این "حضور پرسود" سرمایه داخلی را در امر واردات آزادکالا از خارج از کشور را مورد مذاکره قرار دهیم باید ببینیم که آیا این امر در جمهوری اسلامی، امر تازه ای است یا خیر.

جمهوری اسلامی پیش از این برای واردات کالا توسط بخش خصوصی، تسهیلات مختلفی در نظر گرفته بود. بعنوان نمونه در زمان "جنگ مقدس" رژیم اعلام کرده بود که دریافت کارت بازرگانی برای عموم آزاد است. این سیاست وارداتی رژیم، نه تنها نتوانست به مشکلات اقتصادی خاتمه دهد، بلکه باعث آن شد که دلالتی گری و واسطه گری به ابعاد فوق العاده ای گسترش یابد و سرمایه داران کلان با استفاده از کارت های بازرگانی افراد هادی، دست به واردات کلان بزنند. عدم تناسب در حجم و نوع کالاهای وارداتی، احتکار و انبار کردن کالاهای وارد شده برای تزریق به موقع به بازارهای مصرف، و در همین حال کمیابی شدید کالاهای کم سودآور، باعث شکست این "لیبرالسم اقتصادی" سیاست های وارداتی رژیم گردید. البته این طرح بیشتر شامل واردات لوازم یدکی اتومبیل بود، گرچه استفاده های فوق العاده بیشتری از آن صورت گرفت.

سیاست وارداتی رژیم در هر سه نحوه واردات کالا توسط بخش خصوصی، پس از طرح ارائه آزاد کارت بازرگانی، بر "واردات شناسنامه ای" قرار گرفت. براساس این طرح افراد با ارائه شناسنامه و پس از گذراندن برخی از مراحل اداری، به مدت یکسال مجاز به واردات بودند و با استفاده از سیستم بدون انتقال ارز (یعنی با استفاده از ارز آزاد) اقدام به واردات می کردند. کالاها براساس این طرح با ارز آزاد وارد می شد و واردکننده اصلی که عمدتاً از امکانات دیگران نیز استفاده می کرد با احتساب نرخ آزاد ارز و سود کلان خود، این کالاها را روانه بازار آزاد می کرد. واردکنندگان اصلی کالا براساس طرح "شناسنامه ای" از یک سو سود کلان تحصیل می کردند و از سوی دیگر با استفاده از "مزایای این طرح" از پرداخت هرگونه مالیاتی نیز امتناع می ورزیدند. اثرات تورمی تزریق کالا به این شیوه کاملاً مشهود و مشخص است.

کمک‌های مالی رسیده

کمک مالی به خانواده زندانیان سیاسی

از درامن - نروژ ۶۲۰ کرون
از کانون ایرانیان متقاضی پناهندگی - ژاپن ۱۵۰۰۰ ین

کمک مالی به واحدهای فدایی داخل کشور

شیرزاد از بلژیک ۳۰۰ فرانک
افسانه از بلژیک ۴۳۰ فرانک
اسد از بلژیک ۸۰۰ فرانک
از بروکسل بلژیک ۱۹۲۰ فرانک
از هلند ۵۰ فلورن
از هلند ۲۰ فلورن
از هلند ۹۰ فلورن
از هلند ۵۰ فلورن
انوش ۲۲ فلورن

بلژیک مسعود ۱۰۰ فرانک
محسن ۱۰۰ فرانک
پروین ازلیژ ۲۰۰ فرانک
هلند
از شهر آمستردام ۳۰۰ فلورن
... ۱۴۰ فلورن
توفیق ۲۵ فلورن
... ۲۵ فلورن
... ۱۰ فلورن
"کمک مالی از هلند" ۱۷۰ فلورن
"همواران از هلند" ۱۷۰ فلورن
بلژیک بهرام-س ۲۰۰ فرانک
طاهره ازلیژ ۲۵۰ فرانک
علی-بد ۱۰۰ فرانک
م. از شیرگان ۵۰۰ فرانک
سیامک ۱۰۰ فرانک
فرزاد ۲۰۰ فرانک
روزبه ۱۰۰۰ فرانک
اس ۲۰۰۰ فرانک
نسیم ازلیژ ۱۴۴۰ فرانک
بیادرفیق رگی پور ۶۰۰ فرانک

تصحیح و پوزش

متأسفانه در شماره پیشین نشریه اکثریت، در صفحه آخر در تیریک مقاله به جای "جایزه نوبل در ادبیات برای نجیب محفوظ"، "جایزه صلح" نوشته شده که ضمن پوزش از خوانندگان، بدینوسیله تصحیح می‌گردد.

مطبوهائی در سوریه اعلام کرد که احتمال دارد

دفتر سیاسی و همیاتی "مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق" از تهران به سوریه انتقال یابد. مجلس اعلای انقلاب اسلامی در جریان جنگ ایران و عراق و پس از ورود محمدباقر حکیم به خاک ایران به ابتکار جمهوری اسلامی شکل گرفت. رئیس مجلس اعلای با مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان عراق نیز دیدار کرد.

الاریجانی معاون وزیر امور خارجه در امور اروپا و آمریکا، از اول هفته گذشته سفر دوره‌ای خود به چند کشور اروپایی و آمریکایی را آغاز کرد. وی روز چهارشنبه پس از دیدار از آتن وارد بن پایتخت آلمان فدرال شد و با گذشتن از رهبر امور خارجه آلمان فدرال به گفتگو پرداخت. طبق اعلام رسمی دولت جمهوری اسلامی قرار بود هفته اول مهرماه موسوی نخست‌وزیر برای ملاقات با مقامات یونان، به این کشور سفر کند اما سفرویی به دلایل نامعلومی صورت نگرفت.

کشور تا سطح کاردار ارتقا یابد. پست جدید "کاردار" به حسین تراقیان سپرده شده و قرار است وی از اول آبان فعالیت خود را آغاز کند.

از میان دیگر رویدادها

هفته گذشته محمد ریشمیری رئیس سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی اعلام کرد احزاب سیاسی می‌توانند فعالیت خود را از سرگیرند ولی شرط آن است که از توطئه‌چینی علیه رژیم جمهوری اسلامی خودداری کنند. وی گفت کار سیاسی گروهی در کشور مشروع و طبرآن است که توطئه‌ای در کار نباشد!

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، محمد باقر حکیم رئیس "مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق" هفته گذشته به منظور دیدار، با حافظ‌اسد، تهران را به قصد دمشق ترک کرد. وی روز سه‌شنبه ۲۶ مهرماه با حافظ‌اسد در دمشق دیدار و گفتگو کرد. محمد باقر حکیم در گفتگوی

طرح اعلام جزیره کیش به‌عنوان بندر آزاد، سیاست دیگر وارداتی رژیم در دوران جنگ مقدس بود. از حالات اولیه و محدود طرح که در زمان اعلام نخستین آن از جانب مسئولین مطرح شده بود که بگذریم، در مهرماه سال ۶۵ از جانب رژیم اعلام گردید که "بازرگانان و تجار و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند بدون هیچ‌گونه محدودیتی از طریق بندر آزاد کیش کالا وارد کشور کنند." بر اساس این طرح نیز دولت کمترین کنترل و نظارتی بر کالاهای وارداتی نداشت و واردکنندگان اصلی که با پرداخت پول عده‌ای را برای واردات کالا به جزیره کیش می‌فرستادند، هیچ‌گونه مالیاتی نمی‌پرداختند و قادر بودند تا با قیمت دلخواه، کالاهای وارداتی را به بازار آزاد تزریق کنند. اما اشکال اصلی طرح امکانات محدود و همچنین محدودیت‌های ترخیص کالا از انبارهای جزیره کیش بود. گاه ترخیص کالاهای وارداتی - که عمدتاً از دویی به جزیره کیش حمل می‌شد - چندین ماه به طول می‌انجامید و این امر باعث "عدم استقبال تام و تمام" سرمایه‌های کلان داخلی می‌شد. باین وجود، بازرگانان و تجار با استفاده از اهرم‌های رسمی و غیر رسمی، از طریق طرح بندر آزاد کیش، سودهای هنگفتی تحصیل کردند. طرح واردات آزاد کالا که اخیراً توسط خامنه‌ای اعلام شده است، گرچه در ظاهر امر با طرح واردات آزاد از بندر کیش تشابه دارد ولی بنابر حجم و سطح عملکرد، هملاً

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

کنند. به گزارش خبرگزاری رویتر به نقل از وزیر اطلاعات عربستان، ملک نهد اعلام داشت که مسایل و مشکلات میان دو کشور محدود است و نباید ادامه یابد. رنسنجانی در نماز جمعه هفته پیش از اعلام موضع دولت عربستان، اعلام کرده بود: ما با همسایگانمان بنای دوستی را گذاشته‌ایم، احساس می‌کنیم هیچ دلیلی ندارد که ما الان با کشورهای جنوب خلیج فارس دهوا کنیم... نباید با شعارهای کودکان امکانات ملت و اسلام را به هدر داد و بی‌جهت کشور را مورد تهدید قرار داد. "ولایتی وزیر امور خارجه نیز بعد از اظهارات رنسنجانی طی مصاحبه با مطبوعات، ابراز امیدواری کرد که مسایل اوپک زمینه‌ساز تجدید روابط تهران و ریاض گردد. براساس توافقی که میان ایران و بحرین صورت گرفته، قرار است روابط دیپلماتیک دو

چین و اصلاحات

از "عصر جدید" شماره‌های ۳۸ و ۳۹

بنابر این کاملاً تصادفی نبوده‌اند، زمینه‌های عینی این خطاها، در اصل در الگویی از سوسیالیسم است که بخش اعظم جهان سوسیالیسم از آن پیروی می‌کرد. می‌دانیم که این الگو، در اتحاد شوروی طرح و از اینجا از راه‌ها و با شیوه‌های گوناگون در خارج، ترویج شد. انتقال تجارب ما در شرایطی صورت گرفت که دیگر، طرح لنینی ساختمان سوسیالیسم، اساساً تحریف شده بود. تحریف‌های استالینی، در زمین خارج نیز کاشته شد و همان نتایج شومی را بار آورده که در اتحاد شوروی شاهد آن بودیم.

در چین، برای انحرافات داخلی دو علت می‌شمارند: یکی کمبود دموکراسی و دیگری درک رشد نیافته از مارکسیسم و از قانونمندیهای رشد یک جامعه سوسیالیستی. در نخستین سالها، تصمیمات را گروه کوچکی از افراد می‌گرفت که هملاً خارج از هرگونه کنترل قرار داشت و تنها از نظرات و تصورات خود پیروی می‌کرد. به تدریج حتی این روش هم کنار گذاشته شد و همه قدرت در دست تنها یک نفر، یعنی مائوتسه‌دونگ، تمرکز یافت. کیش شخصیت مائو به سرعت شکل گرفت. تنگ شیاو پینگ در این رابطه گفته است که حزب در طول دوره‌های پیش نتوانست نظام سیاسی درست را طرح کند، و همه انحرافات و افراطی‌گری‌ها در این امر ریشه داشته‌اند. وی می‌افزاید اگر یک نظام، پایه سالمی داشته باشد، می‌تواند برای اقدامات متعاصر خطا کار نیز حد و مرزی قائل شود، اما اگر چنین پایه سالمی نباشد، نظام حتی می‌تواند مانع تلاشهای مردم درست‌کار نیز بشود و آنها را نیز به جهت نادرست سوق دهد. از این رو، به نظر تنگ شیاو پینگ، هدف، روشن و ساده است: باید برای خلق این حق را قائل شد که خود و اقتدار بر دولت حکمرانی کند. مسئولان عالی‌رتبه، باید واقعا خدمتگزاران خلق باشند، نه اینکه خود را صاحب اختیار او بدانند.

به تحکیم نظام فیردمکراتیک، سطح نازل رشد فرهنگی مردم چین (اغلب بیسواد بودند) و سنس فئودالی استبداد، دیوان سالاری و پدرسالاری که در جامعه ریشه عمیقی داشت، بسیار یاری رساندند. حکومت کردن در چین در طول قرن‌ها بدون مبنای قانونی صورت می‌گرفت. امپراتور، فرزند خدا بر روی زمین شمرده می‌شد که می‌بایست همه بدون چون و چرا از او اطاعت می‌کردند. قدرت مطلق او برتر از هر شک و تردیدی قرار داشت. مطلق‌العتان بودن مأموران دولتی نیز طبیعی قلمداد می‌شد. آنچه آنها برای مردم انجام می‌دادند، حکم نیکوکاریهای بزرگ را داشت...

آنچه بر نظام سیاسی جمهوری خلق، مهر خود را کوبید، این نیز بود که انقلاب، شکل جنگ پارتیزانی طولانی را به خود گرفت. ارتش و حزب، هملاً یکی شده بودند، و پس از جنگ هم حزب کمونیست طبق عادت، صرفاً به شیوه‌های ارتشی عمل میکرد.

تا آنجا که به درک رشد نیافته از مارکسیسم مربوط می‌شود، امروز در چین این ارزیابی وجود دارد که مارکسیسم به مثابه یک آموزش، خلاقانه به کار بسته نشده، بلکه به طور ذهنی و بدون رابطه با زندگی واقعی تفسیر شده است. از

پایگاه خود را در میان مردم، تعمیق بخشد. خلق در جنگ داخلی (۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹) علیه رژیم "گوئومیندائنگ" که طرفدار غرب بود، قیام و آن را مملاتی کرد دوره سازندگی صلح آمیز آغاز شد.

به همان میزان که دولت قدرت می‌گرفت، اقتصاد هم رشد می‌کرد: در فاصله ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶، رشد متوسط سالانه تولید صنعتی بیش از ۱۹ درصد بود. در رهبری چین، تمایل به اقدامات بازهم رادیکال‌تر دیده می‌شد. چنین تدابیری در سال ۱۹۵۸ اعلام شد. در صنعت، به فکر "جمعش بزرگ"، یعنی رشد تولید با آهنگ سریع، افتادند، و بدین منظور به صنعت‌گری و کارگاه‌های کوچک پیشروان تکیه کردند. در کشاورزی، دهقانان را در "کمون‌ها" گردآوردند و حتی اشیای مورد نیاز روزمره را برای مصرف اشتراکی از آنان گرفتند. نتایج، مایوس‌کننده بود. اقتصاد، سیر نزولی را در پیش گرفت و گرسنگی کشور را در بر گرفت.

در آغاز دهه ۶۰، این آزمایش متوقف شد. استراتژی اقتصادی، بار دیگر خلعت معتدل‌تر و واقع‌بینانه‌تری به خود گرفت. اما چپ‌روی هنوز پایان نیافته بود. در سال ۱۹۶۵ باردیگر رادیکالیسم چپ میدان دار شد، و این بار، بطور فاحش‌تری خود را نشان داد. چین، به "انقلاب فرهنگی" کشانده شد که شهرت منفی‌اش آن را از توصیف بی‌نیاز می‌کند. به بهانه مبارزه طبقاتی، مسئولان عالی‌رتبه حزب و اقتصاد، فرماندهان نظامی، روشنفکران، کارگران، کارمندان و دهقانان را تحقیر و مورد تعقیب قرار می‌دادند. از شیوه‌های معقول مدیریت اقتصادی گرفته تا آثار پوشکین و دکترترین نظامی امروزی، همه مزموم شناخته شدند. لغو همه آداب و رسوم مردم اعلام شد.

بعدها در چین، سیاست اقتصادی اواخر دهه ۵۰، "خطای چپ‌روانه" و "انقلاب فرهنگی" به عنوان "دوره سردگمی‌ها و آشوبهایی که به حزب، دولت و کل کشور چند ملیتی، لطمه‌ای جدی وارد کرد" به عنوان "دیکتاتوری یک‌فاشیسم به کلی فاسد و تباه با چاشنی فئودالیسم" ارزیابی شد (نقل قولها از روزنامه "ژان مین ژیبائو").

حالت این پدیده‌ها و پدیده‌های مشابه چیست؟ توضیح این امر در سالهای اخیر در خود چین داده شده است. اما پیش از آنکه به این توضیح پردازیم، باید یادآوری کنیم که بسیاری از خطاهایی که در ساختمان پایه‌های سوسیالیسم در جمهوری خلق چین پیش آمد، خطاهای مختص چین نیستند، بلکه برای شمار بسیاری از کشورهای سوسیالیستی پیش آمده و

اکنون ده سال است که در چین، بزرگترین کشور سوسیالیستی جهان، مشی اصلاح بنیادین نظام سوسیالیستی در پیش گرفته شده است. در آن زمان که این اصلاحات آغاز شد، چین از بسیاری جهات از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان سوسیالیسم بود. به تأیید همه ناظران، فرمها در چین به موفقیت‌های بزرگی دست یافته است، هر چند هنوز راه درازی در پیش است و مسائل زیادی حل نشده باقی مانده‌اند. تحولات چین، که سالها در بررسی‌ها و نوشته‌های تحلیل‌گران کمونیست سایر کشورها مسکوت گذاشته می‌شد، موضوع دو مقاله مسلسل هفته‌نامه شوروی "عصر جدید" در شماره‌های ۳۸ و ۳۹ سال جاری آن است. کوتاه شده ترجمه این مقالات را که اوگنی باژانف نوشته است، در این شماره می‌خوانیم.

در جمهوری خلق چین، "کمونیسم پادگانی" ملفی شده است. در کنگره سیزدهم حزب کمونیست چین در پاییز سال گذشته، این وظیفه خرمون شد که باید "یک نظام سیاسی سوسیالیستی قادر به حیات در درازمدت، با دموکراسی پیشرفته، یک نظام حقوقی کامل و بازده بالا ایجاد شود و شکل گیرد. چه چیز، اصلاحات سیاسی را ضروری کرده است؟

بدون بازنگری به تاریخ، نمی‌توان در این مورد به دید روشنی رسید. بیش از دو هزار سال در چین یک سلطنت فئودالی حکومت میکرد. امپراتورها، می‌مردند یا یکدیگر را سرنگون میکردند، سلسله‌های پادشاهان زوال می‌یافتند، اما نظام دولتی و ایدئولوژی، طبقات اجتماعی و جایگاه آنها در مجموع بدون تغییر می‌ماندند. زمانی که اروپا دیگر وارد عصر سرمایه‌داری پیشرفته شده بود، در چین کماکان به قوانین کهنه پایبند بودند و مطابق آن زندگی می‌کردند. البته، زره فئودالیسم که زمانی خلل ناپذیر بود، ترک‌هایی برمی‌داشت که دیگر به شکافها و سوراخهای عمیق تبدیل می‌شدند.

اواسط قرن نوزدهم، سرمایه‌داران خارجی در بخش حاشیه‌ای امپراتوری چین، ریشه دوانده و ساختار اجتماعی سنتی کشور را به سختی تکان میدادند. چین به موقعیت یک نیمه‌مستعمره تنزل یافت. سلسله پادشاهی "کویینگ" تضعیف شد و کنترل امور را از دست داد. در سال ۱۹۱۱، انقلاب رخ داد و امپراتوری را جارو کرد. جمهوری اعلام شد. اما خلعت نیمه فئودالی و نیمه مستعمره‌ای جلوه چین هملاً هیچ تغییری نکرده بود. تضادهای کشور را در چنبره خود گرفته بودند.

پیروزی‌ها و خطاها

در این دوره پیچیده و حساس، کمونیست‌ها وارد صحنه شدند. در تابستان ۱۹۲۱، حزب کمونیست در شانگهای تأسیس شد و به تدریج، مردم زحمتکش را به حمایت از خود بسیج کرد. مبارزه با تجاوزگران ژاپنی (۱۹۳۷ تا ۱۹۴۵) به حزب کمونیست چین این موقعیت را داد که

اجتماعی فاحش آن، استثمار، کار رهیتی، سلطه ملاکان، بورس بازی بورژوازی تجاری چین و دستگاه فاسد اداری آن را نگی کردند. آنان، کهنه را متلاشی کردند و برای تحقق رویای آفریدن چیزی اساسا نوین، جامعه‌ای عادلانه، متشکل از شهر و روستا از هر لحاظ برابر، کوشیدند.

پیکار، سخت بود، خون بسیاری جاری شد و وقتی بالاخره دشمن مغلوب گردید، انقلابیون نتوانستند آرام و هشیار در این باره که از نظامات کهنه اجتماعی، چه چیز را باید محو کرد و چه چیز را باید نگه داشت، و کدام برخورد مبتنی بر قوانین عینی اجتماعی، شرایط واقعی در چین و یا به بیان بسیار ساده، عقل سلیم است، قضاوت کند. مخالفان، با بیرحمی به قتل می‌رسیدند. نفرت از هر چه که آن همه رنج و درد را باعث شده بود، بسیار زیاد بود. انقلابیون می‌خواستند هر چه زودتر از شر بورس‌بازان و انگل‌ها خلاص شوند و هر چه سریع‌تر به اصل "به هر کس به اندازه نیازش" و اصل توزیع عادلانه کالاها تحقق بخشند...

شاید اینها به نظر ما ساده لوحانه بیاید، اما اگر به گذشته بنگریم، می‌بینیم که در تاریخ انقلاب ما نیز پدیده‌های مشابه بوده‌اند. همان نبردها، همان کارزارها برای محصول قله و فولاد، برای "برابری کامل" و "وحدت خلل‌ناپذیر"، اطاعت کورکورانه همگانی از رهبران...

بسیارند مردمی که هنوز نمی‌توانند از تصورات ایدئولوژیک کلیشه‌وار گذشته دوری گزینند. در مطبوعات چین می‌نویسند که هنوز بسیاری از انسانها سوسیالیسم را با فقر و برنامهریزی فوق متمرکز، و درهوش، سرمایه‌داری را با اقتصاد کالایی برابر می‌دانند. هنوز این درک نادرست وجود دارد که برای ورود به کمونیسم، کافی است شکل مالکیت را تغییر دهیم، که تنها اعلام یک نظام اجتماعی نوین در یک کشور عقب‌مانده، امکان سبقت گرفتن از کشورهای صنعتی سرمایه‌داری در کوتاه‌ترین مدت را فراهم می‌آورد...

به هیچ‌وجه همه مقامات حزبی و اقتصادی توان انطباق با شرایط کیفیتا نوین کار را از خود نشان نداده‌اند. در گذشته، کار آنها به این محدود میشد که از بالا دستور بگیرند و آن را به پایین منتقل کنند. اکنون آنها باید از خود تخصص، کارایی و انعطاف نشان دهند. این، همواره دیده نمی‌شود. برخی، تمایل به شل‌تر کردن مهارهای بورکراتیک ندارند. "زان مین ژیبائو" می‌نویسد در برخی مناطق و سازمانها، حقوق دمکراتیک در معرض "حملات و اقدامات انتقام‌جویانه" قرار دارند. ایدئولوژی پدرسالاری و ادعای حق امتیازات داشتن، به همراه خود بورکراسی، گماکان وجود دارد.

انتقاد از راست

منتقدان راستگرایی اصلاحات، کوشیده‌اند انگل‌وار خود را پاسخگوی نیاز رهبری و کل مردم به دمکراتیزاسیون نشان دهند. در میان برخی طرفداران اصلاحات در اواخر دهه ۷۰، دیده می‌شدند کسانی که می‌گفتند باید سوسیالیسم و حزب کمونیست را به کنار نهاد و بقیه در صفحه بعد

ساخته شود، نیازهایی که عدم توجه بدان، "مساوی با ایده‌آلیسم" است روزنامه "گوانگ مینگ ژیبائو" نوشت تشویق انسانها به مرفه‌شدن هر چه سریع‌تر با کار خود، به "مهمترین اصل و موضع بنیادین حزب کمونیست چین" تبدیل شده است. در پکن، به این ضرورت پی برده‌اند که باید متناسب با امکانات، همکاری با جهان خارج را گسترش داد. رهبری چین، مواضع ایدئولوژیک - تئوریک خود را مورد تجدیدنظر قرار داد، از مشی حدت هر چه بیشتر بخشیدن به مبارزه طبقاتی در داخل کشور و در مقیاس بین‌المللی دست کشید و از اطاعت کورکورانه، "کارزارهای همگانی"، افشاگری‌ها و تصفیه‌ها، برابر سازی مصنوعی و سایر پدیده‌های مشابه اعلام چشم‌پوشی کرد. "انقلاب فرهنگی"، "جهش بزرگ" و سایر آزمایشهای چپ‌روانه گذشته، بدون اما و اگر محکوم شدند. در زندگی اقتصادی، بخشهای تعاونی و خصوصی حق موجودیت یافتند و سود، رقابت، بازدمی و قراردادهای استیجاری به عنوان اهرمهای اقتصادی مورد استفاده قرار گرفتند. از کارشناسان خارجی دعوت می‌شود و از سرمایه‌گذاری خارجی استقبال به عمل می‌آید.

در این پلنوم، مسئله رابطه متقابل میان اصلاحات اقتصادی سیاسی، مسئله ضرورت تحولات در "اشکال مدیریت و ایدئولوژی" مطرح شد. هلت، این امر ذکر شد که نظام حزبی و دولتی ایجاد شده، به بزرگترین مانع رشد نیروهای مولده تبدیل شده است. تمرکز بیش از حد قدرت، سبک رهبری خشونت‌آمیز و بوروکراسی، اقتصاد و هر گونه ابتکار از پایین برای تکامل و تحول آن را خفه کرده‌اند. مطبوعات چین، خواهان جدا کردن مسئولیت‌های حزبی، دولتی و اقتصادی و "جدا کردن حزب کمونیست چین از قدرت دولتی" اند.

اینکه این استراتژی اقتصادی و سیاسی بدین دشواری تحقق یابد و زوال ناموزونی پیدا کرد، ریشه در خطاهای ذکر شده، خصلت پیچیده مسائل مطروحه، همیشگی نبودن برخورد صریح به شیوه‌های حل مسائل و نیز مقاومت در برابر رفرمها دارد. در چین، همگان رهنمودهای نوین را بدون چون و چرا نپذیرفته‌اند. مشی پلنوم سوم، هم از چپ و هم از راست مورد انتقاد قرار دارد.

بدور انداختن

پیشداوریهای ایدئولوژیک

برای درک این انتقاد، به بررسی موضع چپ‌روانه می‌پردازیم. این موضع، ریشه همیتی دارد. جای تعجب هم نیست، زیرا شعارهایی که از موضع امروز، خیال‌پردازانه ارزیابی میشوند، زهانی ایده‌آل قلمداد می‌شدند. برای این آرمانها بود که انسانها وارد مبارزه شدند و جان باختند. انقلابیون، چین کهنه، نظام گئومین دانگ، بی‌عدالتی

برخی احکام تئوریک که بنیانگذاران مارکسیسم در آثار خود داده بودند، درکی جزم‌گرایانه یا توأم با خطا ارائه شد. بر این اساس، جست‌گیری‌های نادرست به عمل تبدیل شد.

... از هر چه میتوانست به نوعی به شرایط منور گذشته ربط داده شود، دوری گزیده شد. قوانین عینی اقتصادی به سادگی نادیده گرفته شدند. چنین تصور می‌شد که می‌توان با یک ضربت و صرفا با تکیه بر شور و شوق، به کمونیسم رسید. اما این مشی، هیچگاه به هدف نرسید و در جامعه، مواد منفجره اجتماعی انباشته شد. ناراضیاتی با توسل به قهر سرکوب می‌شد. اندیشه جامعه سوسیالیستی به عنوان ثمره کار مشترک شهروندان آزاد و آگاه، جای خود را به "کمونیسم پادگانی" داد.

اراده‌گرایی در سیاست، بر اثر ویژگی ملی چین تشدید می‌شد. نمونه "جهش بزرگ" را در نظر آوریم. چین، این کشور بزرگ و پرست، در رشد اقتصادی خود دچار عقب‌ماندگی فاحشی بود. هر چینی این آرزوی مایوسانه را داشت که کشور را از عقب‌ماندگی‌های رها نینده و آن را به جایگاه شایسته‌اش در جهان بازگرداند. چه خوب بود اگر این کار فوراً میسر می‌شد! این واقعیت نیز که "جهش به جلو" بر پایه کاریزی برنامهریزی شده بود، قابل فهم است، زیرا صدها میلیون نفر نیروی کار، مهمترین سرمایه و ثروت طبیعی چین اند. مائو تسه‌دونگ نیز سبب شخصی خود در تفسیر مارکسیسم را بر این عوامل افزود. امروز، کارشناسان چینی به این امر اشاره می‌کنند که فرهنگ سنتی چین، و از جمله اوئوپهای اجتماعی دوران باستان، بر جهان بینی مائو تاثیر زیادی داشت. انحراف ایدئولوژیک، همچنین بر اثر رقابت ایجاد شده در دهه ۵۰ میان احزاب کمونیست چین و اتحاد شوروی، تعمیق یافت.

خط مشی و پلنوم سوم

پلنوم سوم دوره یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، که در دسامبر ۱۹۷۸ برگزار شد، به نقطه عطف تاریخ معاصر چین تبدیل گردید. در این پلنوم، مشی نوینی راه خود را گشود. اندیشه اصلی این مشی در این بود که اولاً باید تلاشهای حزب را در حیطه اقتصادی بر مدرنیزه کردن کشور متمرکز کرد و ثانیاً باید برنامهای واقع‌بینانه برای ساختمان سوسیالیسم طراحی نمود. وظیفه بریدن از برداشت‌های جزم‌گرایانه از مارکسیسم و نظرات نادرستی که به آموزش مارکسیسم نسبت داده میشد، در پیش‌رو قرار گرفت. روزنامه "زان مین ژیبائو" زمانی به روشنی نوشت که در مارکسیسم "هیچ چیز مقدس و غیرقابل تغییره نشود آن را متحول یا از آن چشم‌پوشی کرد، وجود ندارد؛ تنها معیار حقیقت، پراتیک است".

هر چه در خدمت رشد نیروهای مولده نیست، مغایر با سوسیالیسم علمی و نپذیرفتنی ارزیابی شد. این نتیجه‌گیری به عمل آمد که جامعه نوین تنها بر پایه نیازهای مادی و بهره‌وری می‌تواند

بنیه از صفحه قبل

نظام فربری را پذیرفت. گفته می شد حزب کمونیست چین، از خود سلب اعتبار کرده است، که حکومت حزب، برای مردم چین چیزی جز فقر و رنج به ارمغان نیاورده است و کمونیسم چیزی نیست جز یک سراب او توپایی... در رهبری حزب، زنگهای هشدار باش به صدا درآمده است. خود تنگ شیاو پینگ بارها بر اهمیت مبارزه با لیبرالیسم بورژوازی تاکید کرده است. رهبران، بر این تاکید کرده اند که نفوذ ایدئولوژی فاسدکننده بورژوازی، "مستقیماً به سوسیالیسم ضربه می زند و فاصله گرفتن از مارکسیسم و سوسیالیسم را رواج می دهد."

تغییر توزیع قدرت

پکن، اساس و کلید موفقیت راشدت بخشیدن به اصلاحات بنیادین اقتصادی همراه با نوسازی سیاسی می داند. بازسازی نظام سیاسی، در جغات مختلفی پیش برده می شود. به گفته زائویانگ، مهمترین نکته، کشیدن خط و مرز روشن میان مسئولیت های ارگانه های حزبی و دولتی است. این امر که همه کشورهای سوسیالیستی را شامل می شود، در چین دارای معنای بسیار ویژه ای نیز شده است. دوره جنگ انقلابی، سنتی را بوجود آورد که طبق آن، ارگانه های حزبی تقریباً مسئول همه چیزند. مثلاً سازمان های حزبی در موسسات آموزشی، برای فارغ التحصیلان جدید شغل پیدا میکردند و حتی تعیین میکردند که در امتحانات به چه کسی چه نمره ای باید داده شود. در کارخانه ها حوزه های حزبی کنترل کامل روند تولید را داشتند. تا همین اواخر، هیچ دادگاهی نمی توانست بدون صلاحیت کمیته حزبی، حکمی صادر کند...

کنگره سیزدهم، هدف تمرکز کار حزب بر رهبری سیاسی جامعه به جای "داخلت در امور روزمره" را فراروی حزب قرار داد. منظور از رهبری سیاسی، تدوین اصول مشی سیاسی و طرح سمت آن، بسیج توده ها، اجرای مشی از طریق اعضا و تبدیل طرح های حزب به اقدامات دولتی در انطباق با مسیرهای قانونی، پیشنهاد کادرها برای احراز سمت های کلیدی در ارگانه های قدرت دولتی و اعمال کنترل است...

تلاش برای جد کردن مسئولیت ها از هم اکنون آغاز شده است. دستگاه کمیته مرکزی، دیگر فاقد بخشهای صنعتی است، و حذف این شعبه ها در سازمان های محلی ادامه دارد. بازسازی سازمان حزبی، شامل حذف همه شعبه ها به جز شعبه هایی است که متصدی امور تشکیلاتی حزب، تبلیغات، جبهه متحد و کمیسیونهای کنترل انضباطند. شمار مسائلی که برای حل آن باید با ارگانه های حزبی هماهنگی ایجاد شود، کاهش می یابد. به عنوان نمونه، اگر در گذشته همه امور پرسنلی در حوزه مسئولیت کمیته های حزبی بود، اکنون این کمیته ها تنها به گزینش کادرها از سطح ناحیه به بالا خواهند پرداخت. در کارخانه ها، اختیارات تجدید توزیع می شوند. مدیران کارخانه ها دیگر به لحاظ قانونی تابع کمیته های حزبی نیستند در

مواردی اختیار کامل امور تولید را در دست دارند. دیگر کمیته های حزبی بیشتر به کار ایدئولوژیک و سیاسی و تشویق کارگران تحقق ارقام پیش بینی شده تولید می پردازند. گرایش دیگر در اصلاحات سیاسی، گسترش حقوق حوزه های پایه است... هدف این است که کمیته مرکزی حزب از وظیفه نظارت بر همه جزئیات اداره امور محلی معاف و به دخالت مقامات دولتی در فعالیت اقتصادی کارخانه ها و موسسات پایان داده شود. اصل فراگیر، این است: "هرجا حوزه ای حزبی، مناسب تر می بینند که کاری را خود انجام دهند، بگذارید چنین شود..."

علینیت

...به امر گسترش مشاوره های عمومی و گفتگوی مستقیم با توده ها، توجه زیادی می شود. مثلاً شهر داری پکن اکنون دارای خط تلفنی است که مردم می توانند از طریق آن بطور شبانه روزی از مقامات شهر سوالهایی کرده و تقاضاهایی مطرح کنند. هر یکشنبه، مقامات در سالن کنفرانس کمیته حزبی شهر و دولت حاضر می شوند تا به مدیران جوان کارخانه ها کمک فکری و عملی کنند.

علینیت راه خود را می کشاید، البته مشکلات معینی نیز وجود دارد. نقش مطبوعات در حال تغییر است. در گذشته تنها کاری که مطبوعات داشتند هم این بود که مشی سیاسی رهبری را پیش ببرند. در نتیجه، رهبران جامعه مصون از انتقاد بودند. امروز روزنامه ها به مسائل مورد اختلاف حاد می پردازند و مقامات قاصر را مورد انتقاد سخت قرار می دهند...

در ماه مارس گذشته، زائویانگ در یک پلنوم کمیته مرکزی گفت ضروری است توده ها باز هم گسترده تر در جریان آنچه حزب و دولت انجام می دهند، قرار گیرند. وی خواهان آن شد که به مردم واقعیت اوضاع گزارش شود، برای آنها سیاست ها تشریح و حمایت مردم که برای به حرکت در آوردن خود گردانی اجتماعی ضرورت حیاتی دارد، جلب گردد.

نقش ارگانه های قدرت خلق

در چین امروز این اعتقاد وجود دارد که مردم باید به صاحبان واقعی کشور تبدیل شوند. در جمهوری خلق چین، سازماندهی قدرت به صورت کنگره های خلق است که شامل کنگره های ملی و محلی می شود. تاکنون این ارگانه ها تأثیر چندانی نداشته اند. به نوشته مطبوعات چین، کسی آنها را جدی نمی گرفت، و تصمیمات اصلی از سوی حزب و دولت اتخاذ می شد. امروز، وضع در حال تغییر است. اجلاس اخیر کنگره ملی خلق، هرصه فعالیت و انتقادهای زیادی بود. در بسیاری از هرصه ها، نمایندگان با دولت مخالفت می کردند، از تورم گرفته تا سانسور مطبوعات. کنگره های محلی نیز زنده تر می شوند و گاه لویح را برای تجدید نظر برای دولت پس می فرستند.

با این حال، پکن دریافت است که برای افزایش نقش کنگره ها در نظام سیاسی کشور، باید

نظام انتخابات چهار دگرگونی واقعی شود. در گذشته، کاندیداها از بالا نامزد می شدند و از آنجایی که رقابت وجود نداشت و رای دهندگان هم بی تفاوت بودند، همه تأیید می شدند. آنها در مقابل انتخاب کنندگان، پاسخگو نبودند و تنها از کسانی که نامزدشان کرده بودند، یعنی مسئولان بالتر حزبی، حرف شنوی داشتند.

در دسامبر ۱۹۸۶ قانون انتخابات کنگره ملی خلق چین و کنگره های محلی خلق مورد تجدید نظر و تکمیل قرار گرفت. در قانون جدید است شمار کاندیداها حداقل باید سه برابر تعداد کرسی ها باشد. کاندیداها باید از سوی سازمان های حزبی و اجتماعی، کلکتیوهای کار و بطور کلی، گروه های بیش از ده نفره رای دهندگان معرفی شوند...

در سال گذشته برای نخستین بار کنگره ها طبق قانون جدید انتخاب شدند. در برخی مناطق شمار بسیار زیادی از کاندیداها برای هر کرسی معرفی شدند، مثلاً در تیان بین، این تعداد به ۲۹ رسید... در پکن شمار کاندیداها از ۱۰ تا ۵۰ برابر تعداد کرسی ها بود...

با این حال نباید، اوضاع را ایده آل تصور کرد. نیروی ماند عادات و سبک های کهنه، هنوز بسیار زیاد است. در جریان انتخابات، بسیاری از مسئولان محلی، خودسرانه کاندیداها را حوزه های پایه را با قرار دادن شرایطی جهت پذیرش نامزدها، محدود کردند. مثلاً در یک اداره، مقامات اعلام کردند تنها مردانی که عضو حزب و دارای تحصیلات متوسطه باشند می توانند کاندیدا شوند... در برخی جاها شیوه کهنه یک کاندیدا، یک کرسی به حیات خود ادامه داد...

دمکراسی درون حزبی رو به گسترش است. طرح هایی برای انتخاب دبیران سازمان های حزبی، اعضای کمیته های حزبی در سطوح مختلف و نیز اعضای کمیته مرکزی طبق نظام چند کاندیدی وجود دارد...

چشم انداز اصلاحات

بطور خلاصه میتوان گفت که در چین اصلاحات سیاسی راه خود را می گشاید... چشم انداز عمومی اصلاحات، تعریف شده است. نخست آنکه این اصلاحات باید صرفاً بر پایه سوسیالیسم و چهار اصل نظام اجتماعی جمهوری خلق چین مبتنی باشد. این اصول عبارتند از: "پایبندی بی خدشه به مشی سوسیالیستی، دیکتاتوری دمکراتیک خلق، نقش رهبری حزب کمونیست چین، مارکسیسم لنینیسم و اندیشه های مائوتسه دونگ، دوم آنکه نظام سیاسی فربری، مبتنی بر تقسیم قوا به مقننه، مجریه و قضائیه برای شرایط چین مناسب نیست. به نوشته روزنامه گوانگ مینگ ژیبائو، همه ارگانه های جمهوری خلق چین، شورای دولتی، دیوان عالی خلق و دادستانی کل خلق، تابع کنگره ملی خلق اند. سوم آنکه اصل سانترالیسم دمکراتیک به گفته تنگ شیاو پینگ باید کمادکام معتبر بماند تا تصمیمات به سرعت اتخاذ شوند، بدون مداخله سایر مراکز قدرت به اجرا در آیند و از بحث ها و مشاوره های تکراری خود داری شود.

تعویض قریب الوقوع یک سوم اعضای کمیته مرکزی اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی

کمیته مرکزی اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی، در روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر تصمیم گرفت در آینده نزدیک، یک سوم از ۱۶۵ عضو کمیته مرکزی را تعویض کند. قرار است این جایگزینی ظرف شش هفته آینده تدارک دیده شود. به گفته ستیپه سووار رهبر اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی، تغییر یک سوم اعضای کمیته مرکزی با هدف جدا کردن مقامات دولتی و حزبی صورت میگیرد. همچنین با این تغییر، مسئولان قدیمی به عنوان کسانی که تعصیر بحران سخت کشور متوجه آنهاست، کنار خواهند رفت.

در بلگراد اعلام شد اعضای جدید کمیته مرکزی از میان کادرهایی برگزیده خواهند شد که موافق اصلاحات اقتصادی و سیاسی باشند. کمیته مرکزی اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی، بررسی رفرم اقتصادی آینده را به ماه

موقعیت نظامی در افغانستان

ژنرال ذبیح الله زیارمل، رئیس بخش سیاسی ارتش افغانستان، این ادعای کلیدین حکمت یار، سرکرده "حزب اسلامی افغانستان" را که ۸۰ درصد شهرهای بزرگ افغانستان در دست نیروهای ضد دولتی است تکذیب کرد. وی افزود: "درست است که موقعیت در بخش بزرگی از کشور ظرف چند ماه اخیر وخیم شده است. دولت، نیروهای خود را از مناطق هم مرز با پاکستان فراخوانده است. هدف از این کار، این است که این مناطق را به حوزه های غیرنظامی تبدیل کنیم تا بازگشت پناهندگان از پاکستان سهل تر شود. اما نیروهای شورشی فوراً کنترل این مناطق را در دست گرفتند. تأیید می کنم که

آینده موعول کرد. در کمیته مرکزی هنگام رای گیری درباره اعضای هیات رئیسه حزب، تنها یک عضو هیات رئیسه که دوزان کریچ از صربستان بود، رای کافی را نیاورد. جلسه کمیته مرکزی که نخست قرار بود سه روز به طول بیانجامد، به علت فهرست بلند سخنرانان نتوانست به کار خود در موعد مقرر پایان دهد. تا روز چهارشنبه در پلنوم ۸۰ نفر سخنرانی کرده بودند. رهبری اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی نتوانست در مورد تغییر قانون اساسی برای حل مسائل اقتصادی و مسائل ملیت، به توافق برسد. پارلمان یوگسلاوی در بلگراد تصمیم گرفت محدودیت افزایش دستمزدها را که در ماه مه سال جاری تصویب کرده بود، لغو کند. هدف از این تصمیم، کاستن از آهنگ تنزل سطح زندگی مردم اعلام شده است.

خیرا چند شجر مهم را از دست داده ایم. مثلاً نیروهای افراطی اخیراً با پشتیبانی توپخانه پاکستان شهر اسبین بالک در استان قندهار را تصرف کردند. با این حال، دشمن موفق به دستیابی به اهدافی که با آغاز فراخواندن نیروهای شوروی فراروی استراتژی خود قرار داد، نشده است. این افسر هالیرتبه افغای گفت: "ما هم عملیات تدافعی و هم عملیات تهاجمی داشته ایم. ماچند باند مسلح نیروهای افراطی را در نزدیکی کابل ریشه کن کرده و مقادیر زیادی اسلحه و محمات را که برای بمباران شهر انباشته شده بود، به غنیمت گرفتیم. افراطیون اینک بیش از ماه آوریل (آغاز خروج نیروهای شوروی) اسلحه دارند و سلاحهای بهتری گرفته اند."

اعتصاب بزرگ در فرانسه

در روز سه شنبه ۱۸ اکتبر، کارکنان متروی پاریس و راه آهن دولتی فرانسه در اعتراض به کاهش قدرت خرید شافلان در موسسات دولتی فرانسه، دست به اعتصاب زدند. پیش از اعتصاب، دولت میشل روکار نخست وزیر سوسیالیست فرانسه خواستهای کارکنان بخش دولتی برای افزایش حقوق را رد کرده بود. در روز سه شنبه همچنین در سراسر کشور به علت اعتصاب کارکنان شبکه برق رسانی، برق در سراسر فرانسه دوساعت قطع شد. رنت و آمد وسایل نقلیه همومی نیز مختل گردید.

اقدامات فراگیر روز سه شنبه، به دعوت ث. ژ.ت، بزرگترین اتحادیه کارگری فرانسه برگزار شد. در روز پنجشنبه، به دعوت هر شش سندیکای کارکنان بخش دولتی، اعتصابی بزرگ برگزار شد. در روز چهارشنبه، بیش از ۱۰۰ هزار نفر با شرکت در تظاهراتی گسترده به دعوت ث. ژ.ت، خواهان افزایش حداقل دستمزد کارگران مترو، راه آهن، آب و برق، شهرداری، آموزش و پرورش و بیمارستانها از هزار فرانک به ۷۵۰۰ فرانک شدند. در روز پنجشنبه، میلیونها تن در اعتصاب سراسری شرکت کردند. شمار شرکت کنندگان در تظاهرات روز پنجشنبه به صدها هزار نفر رسید.

نرخ تورم در فرانسه در ماه سپتامبر ۲/۵ درصد بود. تنها ظرف یک سال گذشته، در فرانسه درآمد واقعی مردم ۲/۷ درصد کاهش نشان می دهد و بدین ترتیب، ۱/۳ درصد کمتر از سطح سال ۱۹۸۴ است دو هفته است که پرستاران در فرانسه برای دستمزد بیشتر دست به اعتصاب زده اند. دولت روکار برای صرفه جویی در بودجه دولت، حاضر به پذیرش خواستهای زحمتکشانش نیست.



مصیبت دیدگان بنگلادش - وقوع توفان در سواحل بنگلادش به ویرانی چند شهر و روستا و مرگ هزاران تن، بخصوص ماهیگیرانی که با قایق در یار فته بودند، انجامید.

اسرائیل لبنان را به شدت بمباران کرد

روز جمعه ۲۱ اکتبر، نیروی هوایی اسرائیل چند نقطه خاک لبنان را به شدت بمباران کرد. به گزارش پلیس لبنان، در این حملات حداقل ۱۵ نفر کشته و ۳۰ تن مجروح شدند. در این حملات، هواپیماها و بلی کوپترهای صهیونیست با شرکت داشتند. توپخانه ارتش اسرائیل نیز روستاهای جنوب لبنان را به زیر آتش گرفت. بهانه صهیونیست ها برای این اقدام جنایتکارانه، حمله انتحاری یک عضو گروه حزب الله به یک کاروان نظامی ارتش اسرائیل در "نوار امنیتی" جنوب لبنان بود. در این حمله، هفت سرباز اسرائیلی کشته و گروه دیگری مجروح شدند.

در هفته گذشته نیز درگیری میان افراد ارتش اسرائیل و مردم عرب ساکن مناطق اشغالی فلسطین ادامه یافت و به مجروح شدن ۱۱ تن از مردم انجامید. بنا به آمار رسمی، از آغاز "انتفاضه" (قیام خلق فلسطین) بیش از ۳۰۰ فلسطینی توسط ارتش اسرائیل کشته شده اند.

کردستان، سرزمین رزم و رنج

تسهیلات تازه برای تامین بهره بیشتر

تجارد در بازرگانی خارجی

امپریالیستی با جدیت تمام تحولات اقتصادی کشور را دنبال می کنند، در چارچوب شناخت و ارائه تجزیه و تحلیل از سیاستهای اقتصادی کشور بویژه در لحظه حساس بازسازی اقتصادی و عمرانی کشور، در این شماره به سیاست وارداتی رژیم مختصراً می پردازیم.

خامنه ای رئیس جمهور رژیم روز ۲۸ مهرماه در یک مصاحبه مطبوعاتی، که گزارش آن از رادیو دولتی نیز پخش گردید، اعلام کرد که سیاست گذاری های رژیم در هر صه بازسازی اقتصادی و عمرانی کشور بر چهار محور و اساساً طبق رهنمودهای اخیر خمینی تنظیم شده است. رئیس جمهور رژیم در این مصاحبه مطبوعاتی چهار بقیه در صفحه ۳

سیاستهای پولی و مالی رژیم در عرصه بازسازی اقتصادی و عمرانی کشور و زمینه سازیهای تامین منابع مالی و ارزی هم اینک بطور جدی در دستور کار مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی قرار دارد. پی گرفت این سیاستها و تعقیب کردن "دستور العمل های اقتصادی" رژیم، هم در شناخت سمت تحول اقتصادی کشور و سطح و حجم دخالت "دلار مقدس" در امر بازسازی یاری رسان است و هم در ارائه تصویر از بحران های حاد اقتصادی کشور بطور اهم، تجزیه و تحلیل این سیاستهای اقتصادی، البته تنها افزار کار نیروهای انقلابی نیست، بلکه هم صاحبان سرمایه های کلان داخلی و هم انحصارات

بخشی از یک گزارش:

سد کند. برای پیشبرد این منظور رژیم تلاش کرد جنگ بارژیم عراق را با امر سرکوب نیروهای جنبش ملی خلق کرد پیوند بزند. سلسله عملیات ظفر و کربلا ۱۵-۷ همدتا این هدف را تعقیب می کردند. بدین منظور نقشه تسخیر نواحی قلعه دیزه، سلیمانیه، شمرزور، حلبچه، ماوت و چوارتا و دویتر در بندیکان طراحی شد. با بهره گیری از جرمای نیروهای بقیه در صفحه ۵

"...سرکوب نظامی مردم رزمنده کرد همچنان در راس برنامه های رژیم در کردستان قرار دارد. کردستان به یک پادگان بزرگ نظامی شبیه است. در قلعه ها و بلندی ها برجهای مراقبت و پست های دیده بانی ایجاد شده است. در یکی دو سال اخیر تمام تلاش رژیم متوجه این امر بوده است که با کنترل گلوگاه ها و گذرگاه های طبیعی عبور و مرور پیشمرگان و راه های نفوذ آنان را

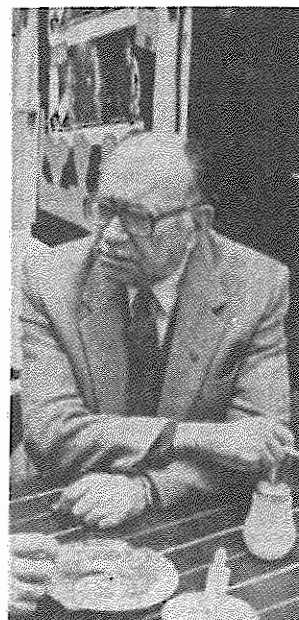
کلودومیر و آلمیدا آزاد شد

کردند. آلمیدا درباره این احکام پس از آزادی خود اظهار داشت احکام مزبور دارای جنبه سیاسی و فاقد هر گونه مبنای حقوقی اند. آلمیدا در سال ۱۹۲۳ در سانتیاگو متولد شده است. او که وکیل دهایی و استاد دانشگاه است، در ۱۹۴۶ به حزب سوسیالیست خلق پیوست و در سال ۱۹۴۸ به عضویت کمیته مرکزی این حزب انتخاب شد. آلمیدا در ۱۹۸۵ در تبعید به عنوان دبیر کل حزب سوسیالیست شیلی برگزیده شد. او رهبر "چپ متحد" است که در ژوئن ۱۹۸۷ با اتحاد حزب سوسیالیست، حزب کمونیست و پنج حزب دیگر تشکیل شد.

کلودومیر و آلمیدا، دبیر کل حزب سوسیالیست شیلی، که ۱۶ ماه پیش پس از بازگشت از تبعید ۱۲ ساله به کشورش، توسط پلیس رژیم پیونوشه دستگیر شده بود، تحت فشار افکار همومی شیلی و جهان آزاد شد. دستور آزادی آلمیدا را دیوان عالی کشور شیلی صادر کرد.

آلمیدا که در دوره ریاست جمهوری سالوادور آلنده معاون رئیس جمهور و وزیر خارجه بود بلافاصله پس از آزادی تاکید کرد علت آزادی او، اعمال فشار همه میهن پرستان بر حکومت نظامی و همبستگی جهانی است. آلمیدا افزود اکنون با تمام نیرو به مبارزه خلق علیه دیکتاتوری پیونوشه و برای احیای هر چه زودتر دموکراسی در شیلی خواهد پیوست.

آلمیدا پس از کودتای نظامی سپتامبر ۱۹۷۳، دستگیر شد و تا سال ۱۹۷۵ در زندان بسربرد. رژیم پیونوشه در سال ۱۹۷۵ او را از کشور اخراج کرد. آلمیدا در مارس ۱۹۸۷ پس از ۱۲ سال تبعید، که ۱۱ سال از آن را در آلمان دموکراتیک گذرانده بود، به شیلی بازگشت. وی به محض ورود به شیلی بازداشت شد. به مدت ۹۵ روز او را در جنوبی ترین بخش شیلی نگه داشتند و سپس به زندان مرکزی سانتیاگو انتقال دادند. دادگاه های پیونوشه در چند محاکمه، آلمیدا را از جمله به جرم "تحریک به تروریسم" و "ورود غیرقانونی" به دوبار زندان ۱۸ ماهه و لغو همه حقوق سیاسی و شهروندی برای ۱۵ سال محکوم



برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
☐ يك ساله	۲۱	۱۱ مارك	۱۳ مارك
نشریه «کار»	۲۱	۲۱	۲۴
بهای اشتراك	سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
☐ شش ماهه	۵۲	۲۷ مارك	۳۰ مارك
نشریه «اکثريت»	۵۲	۵۲	۵۸
☐ يك ساله	۱۰۲	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.230
MONDAY, 24 OKT '88

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید